

Received:2023/12/13

Accepted:2024/2/28

Vol.22/No.83/Spring2025

<https://doi.org/10.71502/mysticism.2025.1201946>

scientific quarterly journal of Islamic mysticism

erfan.eslami.zanjan@gmail.com

<https://sanad.iau.ir/journal/mysticism>

Comparison of the Teaching of Laghima Siddhi in Hindu Mysticism with the Tay al-Ard in Islamic Mysticism

Tahereh Mirzaei, Seyyed Mohammad Rohani, Mohammah Mehdi Alimardi,
Amir Javan Arasteh*

PhD Student, Islamic Sufism & Mysticism, University of Religions & Denominations, Qom, Iran. *

Corresponding Author, taherehmirzaei@yahoo.com

Assistant Professor, Faculty of Islamic Mysticism, University of Religions & Denominations, Qom, Iran.

Associate Professor, Faculty of Islamic Mysticism, University of Religions & Denominations, Qom, Iran.

Assistant Professor, Faculty of Islamic Mysticism, University of Religions & Denominations, Qom, Iran.

Abstract

Yoga is one of the most prominent mystical paths in Hinduism. Through the practice of specific ethical, practical, and meditative techniques known as Ashtanga, or the eight limbs, practitioners attain mystical experiences. Ultimately, by advancing through these stages, they achieve liberation (Moksha) by purifying their spiritual essence from material and physical impurities. An outward sign of the yogi's spiritual journey is the acquisition of extraordinary abilities termed Siddhis. Among the various Siddhis, Lagima Siddhi signifies the ability to become light and fly. Similarly, in Islamic mysticism (Sufism), the seeker acquires supernatural abilities akin to these Siddhis, including "Tay al-Ard". In this state, the ground beneath the feet of the devotees of Allah (prophets and Imams, peace be upon them) and sincere mystics is traversed, transcending the physical limitations of the material world. Through purification, self-discipline, and meditation, a miraculous manifestation of the special name of God arises in the heart of the mystic, bestowing divine authority over the universe. This research aims to compare these two mystical traditions using an analytical-descriptive method, elucidating the concepts, foundations, approaches, and internal and external applications of these two mystical states.

Keywords: Islamic mysticism, Hindu mysticism, yoga, meditation, Tay al-Ard, Laghima Siddhi.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۲۲

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۹

دوره ۲۲- شماره ۸۳- بهار ۱۴۰۴- حصص: ۶۱-۸۶

مقاله پژوهشی

مقایسه آموزه لگهیما سیدھی در عرفان هندو با طی الارض در عرفان اسلامی

^۱ طاهره میرزایی

^۲ سید محمد روحانی

^۳ محمد مهدی علیمردی

^۴ امیر جوان آراسته

چکیده

یُگه یکی از مهم‌ترین گرایش‌های عرفانی هندو است که در آن سالک با استفاده از تکنیک‌های اخلاقی، عملی و مراقبه‌ای خاص موسوم به اِشتانگه یا هشت عضو، به تجربیات عرفانی دست‌می‌یابد و در نهایت، با گذشتن از این مراحل قادر می‌شود تا با خلوص بُعد روحانی خود از آلودگی‌های مادی و جسمانی به مقام‌هایی یا مُکُشه، نائل‌آید. یکی از نمودهای ظاهری سیر روحانی یُگی کسب توانایی‌های خاص خارق‌العاده‌ای است که با عنوان «سیدھی» شناخته می‌شود. یکی از انواع مختلف سیدھی‌ها، «لگهیما سیدھی» به معنی توانایی سبک‌شدن و پرواز است. در عرفان اسلامی نیز سالک به توانایی‌های ماورائی همچون این نوع سیدھی دست‌می‌یابد که می‌توان، «طی الارض» را از جمله آن‌ها دانست. در این مقام زمین زیر پای اهل‌الله (پیامبران و ائمه «علیهم‌السلام») و عارفان مخلص طی شده، از محدودیت‌های جسمانی دنیای مادی فراتر می‌رود. با تزکیه، تهذیب نفس و مراقبه نوعی کرامت، قابلیت ظهور اسم خاص حق تعالی در دل عارف پدیدار می‌شود، که قدرت ولایت خداگونگی بر کائنات به-دست‌می‌آورد. در پژوهش پیش رو سعی داریم ضمن ایضاح مفاهیم، مبانی، رویکرد و کاربرد درونی و بیرونی این دو مقام عرفانی با روش تحلیلی-توصیفی به مقایسه این دو سنت عرفانی بپردازیم. کلیدواژه‌ها: عرفان اسلامی، عرفان هندو، یُگه، مراقبه، طی الارض، لگهیما سیدھی.

۱- دانشجوی دکتری تصوف و عرفان اسلامی، دانشکده عرفان اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. نویسنده مسئول:

taherehmirzaei@yahoo.com

۲- استادیار دانشکده عرفان اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

۳- دانشیار دانشکده عرفان اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

۴- استادیار گروه تصوف و عرفان اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

پیشگفتار

انسان همواره در جستجوی راه‌هایی برای تعالی یا رهایی از رنج‌هایی بوده که زندگی مادی و امیال و شهوات نفسانی بر او تحمیل کرده و زندگی را برایش دشوار ساخته‌است. در این میان، آموزه‌های عرفانی با ارائه طریقتی برای شناخت حقیقت و وصول به کمال، نقشی اساسی در رهایی معنوی انسان از رنج‌های مادی ایفا کرده‌اند. البته این رهایی معنوی آثار مادی و ظاهری و محسوسی نیز دارند، که نشان دهنده نیروهای مافوق طبیعی و فرابشری است که نمود ظاهری طی طریق و سلوک عرفانی به شمار می‌رود.

در میان سنت‌های عرفانی مختلف، عرفان هندو و عرفان اسلامی در این زمینه از جایگاهی ویژه برخوردارند. هر دو سنت، با تکیه بر آموزه‌ها و تکنیک‌های خاص خود، راهگشای سالکان در مسیر پرفراز و نشیب سیر و سلوک معنوی بوده‌اند. در این عرصه، بررسی آموزه‌های مربوط به قدرت‌های خارق‌العاده یا کرامات، از جمله لگهیما سیدھی در عرفان هندو، به‌ویژه در مکتب یُگه و طی الارض در عرفان اسلامی، می‌تواند زمینه‌ساز درک ظرافت‌ها و تفاوت‌های ظریف در نگرش و رویکرد این دو سنت به مقوله سیر و سلوک و تحولات باطنی باشد. سیدھی به معنای قدرت و توانایی باطنی است که تصرف در جهان هستی و سیر در عالم معنا محسوب می‌شود. لگهیما سیدھی یکی از هشت سیدھی مراقبه‌کننده با انجام تکنیک‌های خاص همراه ذکر (مُتَرَه) قادر است بدن فیزیکی خود را با کنترل پنج عنصر، مانند الیاف پنبه سبک‌کند و با تسلط کامل می‌تواند در فضا شناور شود یا به پرواز درآید. از طرفی «طی الارض» نیز از آموزه‌های عرفان اسلامی تصرف طبیعی در عالم و مقام مکاشفه‌ای برآمده از سلوک معنوی است. در این مقام زمین زیرپای اهل الله (پیامبران و ائمه «علیهم السلام») و عارفان مخلص طی می‌شود. این قدرت تصرف، حاصل تجلی اسمای الهی و تصرف سالک از نوع اقتدار الهی است.

اهداف پژوهش

این جستار به بررسی و تحلیل مفاهیم عرفانی و تأثیر آن‌ها بر درک و تجربه انسان از حقیقت وجودی مفهوم مراتب کمال انسان و جایگاه کرامت؛ نشانه‌هایی از قدرت و محبت الهی و طی الارض در اسلام، به عنوان مقام کشف صوری، تجلی اسمای فعلی حق بر قلب عارف، نماد و مظهر سلوک عرفانی خواهد پرداخت. این مفاهیم به عنوان ابزارهایی برای رسیدن به درکی عمیق‌تر از اتحاد وجودی

و توحید حقیقی مطرح می‌شوند. هدف از طرح این موضوع، فراهم آوردن چارچوبی برای فهم بهتر و عمیق‌تر این نکته است که چگونه عرفان می‌تواند به عنوان یک راهنما برای رسیدن به معرفت الهی و تحقق بخشیدن به پتانسیل‌های نهفته در وجود انسان عمل کند. همچنین نگارنده با تبیین مراتب کمال آدمی و نحوه سلوک حق تعالی در تعالیم عرفان ناب اسلامی به شرح آموزه طی الارض و جایگاه و اهمیت و آثار آن در مسیر سفر روحانی اهل الله پرداخته، تا با گرده برداری از آموزه‌های اصیل عرفانی، مقایسه‌ای تطبیقی از دو مقوله لگه‌ماسیده‌ی و آموزه طی الارض در عرفان اسلامی با رویکردی تطبیقی توصیفی تحلیلی به دست دهد...

بنابراین پژوهش به عنوان مقدمه‌ای برای ورود به بحث‌های عرفانی و تأمل در مفاهیم معنوی عمیق‌تر عمل می‌کند و با شرح ابعاد سفر معنوی سالک‌الیه الله به سوی حق و نور و روشنائی و قدرت تصرف اهل الله و چگونگی طی الارض، پایه‌ای برای بحث‌های بیشتر در مورد نقش عرفان در زندگی فردی و جمعی فراهم ساخته و به مخاطب کمک می‌کند تا به درکی جامع‌تر از ارتباط خود با خداوند و جهان هستی برسد.

این تحقیق با استفاده از روش مطالعه تطبیقی و تکیه بر منابع اصیل و معتبر کتابخانه‌ای در دو سنت عرفانی هندو و عرفان اسلامی، انجام شده است، با توجه به آموزه‌های اصیل عرفانی و مقایسه آموزه‌های لگه‌ماسیده‌ی و طی الارض، در صدد پاسخ به این پرسش است که چه ربط و نسبتی میان آموزه لگه‌ماسیده‌ی در عرفان هندو با آموزه طی الارض در عرفان اسلامی وجود دارد؟ و نیز طرح پرسش‌هایی در موارد وجوه اشتراک و افتراق این دو آموزه، نقش و جایگاه آن‌ها در سیر و سلوک عرفانی، تفاوت‌های آن‌ها در نحوه حصول و کاربردهایشان و در نهایت تبیین رویکرد هر دو سنت به مقوله قدرت‌های خارق‌العاده و کرامات از اهداف پژوهش است.

پیشینه پژوهش

در حوزه زبان فارسی مقالات و کتاب‌های تألیفی بسیار کمی به موضوع سیده‌ی و خصوصاً لگه‌ماسیده‌ی پرداخته‌اند و در کتب انگلیسی و متون هندی نیز به صورت مختصر در شکل تفاسیر و شروح یگه سوتره نوشته پنجلی بدان توجه شده است.

کتاب Transcendental Meditation: The Essential Teachings of Maharishi Mahesh Yogi نوشته Jack Forem به مراقبه و مبنای علمی آن می‌پردازد. جک فورم، اثربخشی مراقبه را ذکر کرده و از آخرین مراحل و پیشرفت‌های و مقالات علمی منتشر شده از تکنیک و کاربردهای مراقبه متعالی در مجلات علمی معتبر پزشکی و روانشناسی به اختصار نام برده است. مهریشی مَهْشَه یُگی نسخه اصلی این کتاب را مورد تأیید قرار داده و گفته است که ارائه واضح، جامع و متفکرانه از جوهر آموزش ما و نسخه جدید آموزه‌های ماست و همه را به خواندن این کتاب توصیه -

کرده است. جک فورم در ارتباط با مراقبه متعالی می گوید: «در انتقال مداوم حکمت عملی هند به غرب هیچ تأثیری بزرگتر از مهریشی مَهشه یُگی و مراقبه متعالی نداشته است.»

کتاب *Transcendent in America: Hindu-Inspired Meditation Movements as New Religion* نوشته Lola Williamson این کتاب درباره افرادی که سالها تمرین تکنیکها را تحت نظر گورو به مراقبه متعالی پرداخته اند، سخن گفته است. ویلیامسون در نوشته خود از طریق درچه های شخصی، تاریخی، فرهنگی مسیر حرکت های مدیتیشن الهام گرفته از هندو (نه آیین هندو) و پیامدهای آن را برای فرهنگ آمریکایی بررسی کرده است. وی نحوه حرکات مدیتیشن، خودسازی، مراقبه متعالی، سیلّهی یُگه، رابطه مریدی و مرادی، تجربه عرفانی و جهان بینی در این جنبش را ذکر کرده است.

کتاب *The Secret History of Consciousness Ancient Keys for future survival* نوشته Meg Blackburn Losey. نویسنده کتاب تکنیک های خاص مراقبه متعالی و قدرت لگهیما را توضیح داده است.

درباره امکان داشتن قدرت معنوی که جنبش برای پیروان خود به ارمغان آورده است، مطالب فراوانی به چاپ رسیده است:

Sri Aurobindo and the Mother: Glimpses of Their Experiences, Experiences, and Realizations. Kireet Joshi. 1989 همکاری ناشران متیلال بنارسیداس. مختصری از آزمایش ها، تجربیات و تحقق این قدرت حاصل کار ترکیبی سه سیلّهی فیزیکی، مرتبط با لگهیما را مورد بررسی قرار داده است.

Secret Power of Tantric Breathing p. 42 By: Swami Sivapriyananda. 1983 سوامی به عنصر ماورایی یُگی با ظرفیت فوق العاده ای برای نگاه کردن به فراتر و قبل از زمان با هشت قدرت جادویی سیلّهی ها پرداخته است. وی در ادامه مدعی شده که گورو در گرمای شدید با روشن شدن هاله قرمز فرمان می دهد، بر روی هوا به پرواز درمی آید و چکره آن در بدن این توانایی را دارد مانند پرندگان پرواز کند.

درباره طی الارض در متون قدیمی و معاصر مطالب فراوانی چاپ شده است که به اهم آنها اشاره می شود:

بحار الانوار مجلسی (ج ۵۲. ص ۷۲) و اکمال الدین و اتمام النعمه کلینی (ج ۲ ص ۳۷۱ و ج ۵) با استناد به روایات از معصومین (علیهم السلام)، مواردی از طی الارض و کسانی که به مقام مکاشفه رسیده اند، ذکر کرده است.

در بین کتب تعلیمی صوفیه، مثل: *التعرف لمذهب التصوف* نوشته کلاباذی، درباره واقعیت طی الارض و اثبات آن مستندات را آورده، وی طی الارض را معجزه دانسته و نشانه‌ای از کرامت اولیای الهی برشمرده است.

مستملی بخاری در شرح *التعرف لمذهب التصوف* ضمن نقل چگونگی معراج شبانه نبی اعظم (صلی الله علیه و آله) طی الارض را تبیین نموده است.

سید محمد کاظم قزوینی در کتاب *الامام المهدی من المهد الی الظهور*، امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و یاران وی را بهره‌مند از قدرت تصرف بر عالم و طی الارض ذکر کرده است.

دانشنامه امام علی (علیه السلام) جمعی از نویسندگان (ج ۱ ص ۲۷۸) طی الارض را پیمودن راه‌های طولانی در چند لحظه آورده است.

دانشنامه مهدویت و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، جمعی از نویسندگان (ج ۱ ص ۴۲۶) آورده است که تمامی رهبران معصوم (علیهم السلام)، حتی بسیاری از دانشمندان و علمای اهل کرامت نیز از این قدرت و توانایی اعجازگونه برخوردار بوده و هستند.

در *کیفیه السلوک الی رب العالمین*، حکیم ترمذی، طی الارض را از احوال توکل دانسته است.

در *قوت القلوب فی معامله المحبوب*، ابوطالب مکی خواهش این مقام را ناروا شمرده است.

ابوحامد غزالی در *احیاء العلوم*، رسیدن به مقام طی الارض را از مسیر ریاضت می‌داند.

در شرح *انفاس الروحانیة لائمة السلف الصوفیه*، محمد بن عبدالملک دیلمی، مصحح محمد مصطفی القادری السیلابی این مقام را نعمتی شایسته که به قدرت اسماء الهی نصیب عارف شده، می‌داند.

جامی به مسأله طی الارض در *الدرة الفخریه فی تحقیق مذهب الصوفیه (حکمت عمادیه)* به ساحت قبض و بسط عرفانی توجه نموده است.

عبد الوهاب شعرانی در کتاب *الیواقیت و الجواهر فی بیان عقائد الاکابر، الکبریت الاحمر*، طی الارض را از کرامت‌های حسی و قابل حصول برای همه می‌داند و کرامت معنوی را حفظ آداب شریعت، از مکارم اخلاق و فقط برای خواص می‌داند.

رساله سیر و سلوک منسوب به بحر العلوم، تحفه الملوک فی السیر و السلوک در باب مکاشفه و انواع آن، طی الارض را تشریح کرده است.

مقدادی اصفهانی در کتاب، *نشان از بی‌نشان‌ها* به شرح و توضیح نظریات علامه حرّعاملی نقل شده در *اثبات الهدی*، درباره طی الارض پرداخته است.

محمی الدین ابن عربی در *الفتوحات المکیه* علت شهود طی الارض را علمی از جانب حق تعالی و از کرامات الهی برشمرده و برخی از شارحین ابن عربی در تبیین چگونگی طی الارض نوشته‌اند که اعدام جسم در مکان اول و ایجاد آن در مقصد است.

در شرح اربعین نوشته قاضی سعید قمی به ترجمه نجفقلی حبیبی، طی‌الارض را برای سالک ماده‌ای نوری گفته‌اند، عارف در طی طریق به مراتب نور و احکام آن واصل می‌شود، سپس سالک قادر به حرکت سریع مانند نور می‌شود.

در کتاب مهر تابان سید محمدحسین تهرانی به نقل از علامه طباطبایی ضمن اشاره به دستورالعمل خاصی برای رسیدن به قدرت تصرف در جهان هستی با استناد به ۶ آیه اول سوره طه، آن را برای عارفی که وجودش متصف به صفات الهی شده باشد، می‌داند.

امام خمینی در مصباح‌الهدی، طی بحث عرفان نظری با توجه به تجلی اسماء الهی بر قلب عارف و آثار آن در ساحت قبض و بسط به تبیین و تشریح طی‌الارض پرداخته‌است.

در مجموع آثار مرتضی مطهری در توضیح «جوهرها عبودیه و کنه‌ها ربوبیه» چنین آمده که بدن مرکز عبودیت است، و انسان با تسلط بر بدن خویش توانایی استقلال در روح خود را پیدامی‌کند، در نتیجه برخویشتن و جهان پیرامون مسلط خواهد شد.

اشارات ایمانیه کتابی از محمدتقی اصفهانی نجفی است. وی با نگاهی در ساحت انسان‌شناسی موضوع طی‌الارض را تحلیل و بررسی کرده، به اعتقاد وی معصومین (علیهم‌السلام) و اولیای الهی سیر از عالم ملک غرب به مشرق عالم ملکوت در مسیر سلوک از علم لدنی بهره‌مند شده، به قدرت تصرف در مراتب عالی می‌رسند.

شاه‌آبادی در رشحات‌البحار این توانایی تسلط بر هستی را از تصرفات ولوی در جسم تعلیمی، در صورت کمال عبودیت، برای اظهار حق و به اذن الهی امکان پذیر بودن آن را شرح داده‌است.

شایان توجه است که در منابع کثیری به وجود قدرت خارق‌العاده معنوی و نحوه دستیابی به آن از طریق مراقبه اشاره شده‌است اما به دلیل کثرت از تکرار خودداری کردم. ولی تاکنون مقایسه کرامت باطنی لگه‌یما سیک‌هی در عرفان هندو با طی‌الارض در عرفان اسلامی انجام نشده‌است.

بحث و بررسی

سلوک در عرفان یُگه

مکاتب فلسفی عرفان هندو با قدمتی دیرینه، آموزه‌های متنوعی را در خود جای داده‌اند که با عنوان کلی درُشنه^۱ شناخته می‌شوند. یُگه یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین آن‌ها در آیین هندو است. هرچند

۱- Daršana: واژه درُشنه در لغت به معنای دیدن و مشاهده کردن است، و یکی از مهم‌ترین کاربردهای آن برای اشاره به مکاتب مهم فلسفی هندو است. البته باید توجه داشت که واژه درُشنه را نمی‌توان دقیقاً به معنای فلسفه در معنای غربی آن، یعنی دانش و خرد ترجمه کرد، بلکه بیشتر بیان‌کننده نظام خاص مابعدالطبیعی است که در آن مفاهیم بنیادینی مانند الاهیات و نجات‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در حقیقت هدف غایی بیشتر درُشنه‌های هندی بیان راه‌هایی از گردونه تناسخ، و رسیدن انسان به مقام نجات یا مُکشه است. درُشنه‌های هندو شامل مکاتب می‌مامسا و ودانته، سائکهی و یُگه، نیایه و وی‌شه‌شیکه هستند که از جهت مبانی مشترک در سه جفت جای می‌گیرند.

عنوان یُگه و برخی از آموزه‌های آن قدمتی دیرینه‌تری از زمان پیدایش این مکتب دارد، ولی نخستین بار در کتاب یُگه سوْتْرَه^۱ نوشته پْتَنجَلِی^۲، که حدود سده دوم پیش از میلاد یا سده چهارم میلادی نگاشته شده است، مطرح شد. یُگه، به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی عرفان هندو، بر تمرینات و ریاضت‌های معنوی برای دستیابی به کمال و رهایی از چرخه تولد و مرگ (سَمْساره^۳) تأکید دارد.

به طور کلی بن‌مایه‌های اصلی هستی‌شناسی مکتب یُگه بسیار تحت تأثیر جفت خود در دَرُشَنه‌های هندو، یعنی مکتب سَانْکْهیه^۴ است. بر اساس آموزه‌های مکتب سَانْکْهیه پیدایش هستی بر اثر آمیختن و اتحاد دو واقعیت ازلی، روح فردی (پوروشه^۵) و ماده قدیم (پرکرتی^۶) آغاز شده است. همانگونه که با سوارشدن فرد چلاق بر فرد کور، آنان می‌توانند نقص یکدیگر را جبران کرده و حرکت کنند، پرکرتی و پوروشه نیز با هم می‌توانند باعث حرکت و تحول شوند. (Werner, 2005: 90) و (شایگان، ۱۳۸۳، ج ۲: ۵۹۱). با این وجود مکتب یُگه برخلاف سَانْکْهیه، مکتبی خداپاوار است، چون برخلاف سَانْکْهیه این ترکیب را امری طبیعی و خود به خود نمی‌داند، بلکه عامل این ترکیب را خدایی می‌داند که بر اساس شایستگی و استحقاق اخلاقی روح‌های فردی این کار را انجام داده است. (چاتری و داتا، ۱۳۸۴: ۱۵۵).

واژه یُگه از بُن واژه سَنسْکریت یوگیه^۷ به معنای یوغ، افسار و مهار در متون ودهای و اوپه‌نیشدی گرفته شده است. بر اساس آموزه‌های این دسته از متون مقدس هندو، کنترل هواهای نفسانی و شهوات، که همچون اسب سرکش نیاز به مهار و افسار داشت، برای رسیدن به نجات نهایی بسیار ضروری بود. به این دلیل ریاضت (تپس^۸)، خواندن اذکار مقدس (مَنْتْرَه^۹)، کسب معرفت و دوری از شهوات (برهمه‌چاریه^{۱۰})، اهمیت بسیاری یافت. به این دلیل، اصطلاح یُگه به معنای یوغ و افسار برای بیان مفهوم کنترل نفس سرکش، به عنوان بخش مهمی از سلوک عرفانی هندو، رواج یافت. هدف اصلی سالک در مکتب یُگه این است که از گردونه زاد و مرگ رهایی یافته و ذهنش مستقیم به خداوند (ایشوَره^{۱۱})، متوجه شود و به روح (پوروشه) کامل، به دور از آثار کرمه و رنج، نائل گردد. (علیمردی، روحانی، ۱۴۰۰: ۲۵۵).

¹. Yoga Sutra

². Patañjali

³. Samsāra

⁴. Sāmkhya

⁵. Puruṣa

⁶. Prakṛti

⁷. Yuga

⁸. Tapas

⁹. Mantra

¹⁰. Brahmacārya

¹¹. Īśvara

مهم‌ترین آموزه‌های مکتب یُگه شامل مراقبه، تفکر، زندگی اخلاقی و تمرین وضعیت‌های فیزیکی (آسنه) با هدف پاکسازی ذهن و بدن فرد، برگرفته از آیین‌های ودایی باستانی است. تمرین یُگه تجارب عرفانی را تسهیل می‌کند و جویندگان را به‌سوی خودآگاهی و دستیابی به اشراق معنوی و تحقق خود اتحاد با حقیقت کل (برهمن) است که منجر به رهایی (مُکشه) از چرخه مرگ و به تولد مجدد (سمساره) رهنمون می‌شود. (Radhakrishnan, 1957: 453).

هشت عضو (اشتائگه)

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های متن یُگه سوتره پتنجلی، تبیین هشت بخش اصلی سلوک در یُگه، موسوم به اشتائگه^۱ است. این واژه از دو بخش «اشته» به معنای هشت و «اُگه» به معنای بخش یا عضو تشکیل شده‌است که شامل معرفی سیر و سلوک معنوی یُگی تا نائل شدن به مقام رهایی نهایی است. این هشت بخش عبارتند از:

پرهیزگاری و خویش‌داری (یمه^۲).

التزام به قوانین و اصول (نیمه^۳).

حالت‌های خاص بدن (آسنه).

تمرینات تنفسی (پرانایامه^۴).

کنترل و محدود کردن حواس ظاهری (پرتیاهاره^۵).

تمرکز (دهارنا^۶).

تعمق (دھیان^۷).

خلسه (سمادھی^۸).

بالاترین درجه معنوی در یُگه، سمادھی^۹ به معنای تمرکز، وحدت و اندیشه عمیق است. سمادھی دارای دو سطح است، نخست سمپرجناته سمادھی^{۱۰} که در آن سالک طریقت یُگه هنوز به تمایزات

^۱. Aṣṭāṅga

^۲. Yama

^۳. Nyama

^۴. Prāṇāyāma

^۵. Pratyāhāra

^۶. Dhāraṇā

^۷. Dhyāna

^۸. Samādhi

۹- واژه سمادھی در کاربردی دیگر، برای مقبره گوروها و پیشوایان بزرگ هندو نیز استفاده می‌شود.

مادی آگاهی دارد و دوم آسمپرجناته سَمادھی^۱ که در آن سالک به خودشناسی کامل رسیده و به پوروشه معرفت یافته است و به کثرات مادی بی توجه است. (علیمردی، روحانی، ۱۴۰۰: ۲۵۶).

سیدھی

در عرفان هندو سیدھی^۲ معادل «کرامت» در زبان سنسکرت است و به نیروهای معجزه‌آسای ماوراءطبیعی یا جادویی اطلاق می‌شود که یگی‌ها طی اجرای تمرکز بر نیروی معنوی و مراقبه، به‌دست می‌آورند. پَنجلی در یُگه سوثره مواردی مرتبط با یُگه و تکنیک‌ها و آثار مراقبه یُگه‌ای برای درک کمال در یُگه و از جمله سیدھی در چارچوبی جامع ارائه می‌دهد. به اعتقاد وی اولین بار در اوپه‌نیشدها از یُگه و رمز و راز، چگونگی و مراحل و آثار مراقبه و نحوه رسیدن به آن سخن به‌میان آمده است. (Leggett, 2006: 348).

پَنجلی در فصل سوم یُگه سوثره «ویبھوتی»^۳ به ذکر نیروهای خارق‌العاده (سیدھی‌ها)، جنبه‌های مختلف آگاهی انسان و چگونگی تغییر آن را از طریق تمرین‌های یُگه و اینکه مراقبه‌کننده با انجام تکنیک‌های خاص همراه ذکر (مُتْتره) به چه نحوی با تمرکز و تسلط بر عناصر پنجگانه (خاک، آب، باد، آتش، فضا) به هشت کمال و مقام توانمندی معنوی می‌رسد، پرداخته است. (شیرر، ۱۳۹۵، ۱۴۲-۱۴۴).

بر اساس آموزه‌های این دسته از منابع هندو، یُگی هنگام صعود روحانی به‌سوی کمال، به‌تدریج بر اثر تعالی آگاهی و معرفت، به مقاماتی نائل می‌گردد که دربردارنده نیروهای خارق‌العاده و معجزه‌آسا است و درواقع بروز این نیروهای شگفت‌انگیز نشان‌دهنده پیشرفت روحانی سلوک یُگی است. درحقیقت آگاهی‌ای که یُگی کسب می‌کند مشاهده مستقیم تأثرات دیرینه زندگی‌های گذشته^۴ با کمک تمرکز ذهن و مراقبه است. یُگی در این مقام از محدودیت‌های زمان و مکان خارج شده و می‌تواند با تمرکز بر چیزهای مختلف آگاهی‌ها و توانایی‌های فراپیشری بسیاری کسب کند، از جمله اگر بر ارتباط اثیر و جسم تمرکز کند، به حالت سبکی و بی‌وزنی و توانایی پرواز نائل می‌آید. (شایگان، ۱۳۸۳، ج ۲: ۷۰۲-۷۰۵).

سیدھی‌ها دو شکل و جلوه دارند که عبارتند از:

سیدھی دانش: مثل؛ توانائی‌های فهم و درک، روشن‌بینی، اشراق و الهام با زدودن رجس و ناپاکی نورِیُگه در وجود یُگی تجلی می‌کند. نورِیُگه یعنی یُگه شناختی، در تفسیر و یاسه برِیُگه سوثره؛ این

1. Asamprajñāta Samādhi

2. सिद्धि siddhi

3. Vibhūti pādaḥ

۴- بر اساس آموزه قانون عمل و عکس العمل (کرمه Karma) و گردونه زاد و مرگ (سَمساره Samsāra)

شناخت و دانش شهودی ذکرشده چون خود شخص وجدان کرده نه با آموزش. واجسپتی میشره^۱ نیز این قدرت و نور را دستاورد اجرای پی‌درپی (دهارنه^۲، دھیانه^۳، سمدھی^۴) سم یمه^۵ برشمرده، معتقد است که برای یگی در پیوند با عناصر توسط سم یمه قدرت دانش حاصل می‌شود، به واسطه علم، جهل حذف شده و به بالاترین مرحله عقل و اشراق می‌رسد (Prasada, 1998, 181).

سیده‌هی قدرت: مثل روی آتش راه رفتن و حرکت دادن اجسام با قدرت فکر و پرواز جسم. شیرر محقق و مترجم غربی در تبیین این شکل از قدرت خارق‌العاده یگی با نگاه بر یگه سوتره چنین می‌گوید؛ حاصل رابطه و پیوند بین سه نیروی باطنی سم یمه و اندام یگی قدرتی در او شکل می‌گیرد و همراه با جذب سبک‌شده چون پنبه، یگی قادر می‌شود راحت به پرواز درآید. (شیرر، ۱۳۹۵، ۱۴۲).

آشته سیده‌هی

سورندرناته داسگوپته^۶ اندیشمند و فیلسوف شهر هندو معتقد است، یگی در مسیر رشد در عالم معنا به مقاماتی نائل می‌شود. هر میزان تمرکز عمیق و ژرف باشد، قطع اتصال با ماده روی می‌دهد، بر لطافت روح می‌افزاید و مراقبه رشد خواهد کرد، تا جایی که روح توانایی رسیدن به اوج برایش فراهم شده و به ساحت معرفتی عمیقی دست می‌یابد (Dasgupta, 1997: 331-358).

از جمله نتایج معرفت عمیق روحانی سالک، ظهور نیروهای هشتگانه معنوی موسوم به آشته سیده‌هی است. این نیروها عبارتند از:

- انیم^۷ قدرت کوچک کردن خود، بسیار جزئی شدن مانند یک اتم.
- گریما^۸ توانایی بی‌نهایت سنگین شدن.
- لگهیما^۹ قدرت سبک کردن خود، از نظر وزن مانند پنبه سبک شدن.
- مهیما^۹ اضافه کردن و وسعت دادن به میل خود، بزرگ شدن اندازه مانند یک کوه یا اقیانوس.
- پراپتی^۱ رسیدن به تحقق هر خواسته، لمس اشیاء از دور.

۱- Vāchaspati Misra، واجسپتی میشره، فیلسوف و مفسر برجسته هندی قرن نهم تا ده میلادی، بیشتر به دلیل تعمق و تحقیق در زمینه فلسفه هند به ویژه در سنت، ادوینته و دلتنه شناخته می‌شود. مشهورترین اثر میشره؛ تفسیری است که او بر برهمه سوتره بهائیه آدی‌شنکره نوشته است.

۲. Deharna

۳. Dehyane

۴. Samadhi

۵- Trayamekatra sarīyamah، مجموع سه پروسه؛ (جدایی ذهن از محسوسات، تمرکز، سمدھی). سم یمه: sam + yama = سم یعنی کامل، حقیقت، یمه یعنی کنترل. کنترل کامل حقیقت تمرکز ذهن.

۶. Surendranath Dasgupta

۷. Ānimā

۸. Garimā

۹. Mahimā

پراکامیه^۲ قدرت رفتار مطابق میل خود.
 و شیتوه^۳ قدرت کنترل همه موجودات و اشیاء در جهان.
 ایشیتوه^۴ قدرت کنترل ظهور و انحلال هر چیزی، کنترل تولد و مرگ موجودات و اشیاء.
 (Lochtefeld, 2002: 40, 306, 384, 395, 519, 522, 742).

لگه‌یما سیدهی

مفهوم سیدهی

ویاسه مفسر یگه سوئره، لگه‌یما سیدهی را یکی از هشت قدرت بزرگ یگه (آشته سیدهی) ذکر کرده است (Leggett, 2006: 350). لگه‌یما سیدهی حاصل مراقبه و منتزه است، مفاهیمی مانند لگه‌یما امکانات جالبی درباره درک ما از توانایی‌های بالقوه انسانی فراتر از محدودیت‌های مرسوم ارائه می‌دهد. واپسپتی میسر نیز در تفسیری که از (ویبهوتی) داشته، مراحل رسیدن به این کمال معنوی را در سلوک یگی چنین شرح داده است: یگی در سلوک باطنی سه مرحله سم یمه مرتبه معرفت را طی کرده به مقام و نیروی مالکیت و سلطه بر عالم هستی می‌رسد. (Mis,ra, 1896, 3;30).

وی بر سه نیروی «سم یمه» تأکید داشته، اضافه می‌کند که اگر سه نیرو را متوجه رابطه جسم و اثر بسازیم، حالت سبکی و بی‌وزنی و پرواز در آسمان حاصل می‌شود. وی یادآوری می‌کند که این تصرف فقط شامل فیزیک بدن نمی‌شود، بلکه ارتباط بین جسم و قوانین بیرونی طبیعت (جاذبه در این مورد) را نیز تغییر می‌دهد. (Melton, 2024vo6,p22). همین‌طور در کنار سلطه بر قانون جاذبه، باید بر عناصر طبیعت نیز مسلط شده باشد. «برای رسیدن به قدرت پرواز یگی با تمرین سم یمه، باید کنترل پنج عنصر؛ زمین، آب، آتش، هوا و فضا را داشته باشد.» (شیرر، ۱۳۹۵، ۱۴۲).

رابطه سیدهی و چکرها

همان‌طور که اشاره شد، مفهوم لگه‌یما سیدهی بر پرواز جسم استوار است. پرواز یگی یک روش علمی قلمداد می‌شود که یگی قادر است در سفر روحانی خود با خداوند آشنا شده، ذات واقعی خود را بشناسد و به کمال روحی برسد و از بدن فیزیکی جدا شده سیر در آسمان و جهان والا تر بپردازد. در نظر پتنجلی افرادی که کنترل کامل بر سیدهی‌ها دارند، می‌توانند قدرت نیمه خدایان را به دست آورند. از نگاه پتنجلی یگی از طریق تمرین سم یمه قادر خواهد بود به تدریج کانال‌های انرژی خود را باز کرده

۱. Prāpti

۲. Prākāmya

۳. Vaśitva

۴. Īśitva

و آگاهی معنوی خود را افزایش دهد. وی تأکید کرده که این نیرو می‌تواند به بیدار کردن قدرت‌های خفته درون فرد کمک کند تا به مقام کرامت «سیدھی» برسد. علاوه بر این، تمرینات یُگه مانند؛ خواندن مَنْتَرَه و شرکت در مراسم معنوی نیز می‌تواند برای پرورش این هدایای خاص مفید باشد. (ساتیاناندا ساراسواتی، ۱۳۸۰: ۲۷۳).

قدرت‌های خارق‌العاده سیدھی به کمک ذهن، می‌تواند انرژی‌های نهفته که در پایین‌ترین قسمت بدن (امتداد ستون فقرات) قرار دارد را به حرکت درآورد، وقتی تحریک انرژی در نقاط چکره‌های مورد نظر پدید آید، انرژی فعال شده رو به بالا صعود می‌کند، این فعالیت برانگیزاننده جنبش‌هایی در وجود آدمی می‌شود و اسرار محل شالوده گردآمده در یکجا، فنون و شیوه‌هایی برای بیداری این نیروها و نحوه استفاده از این قدرت بر ملامی شود، به طوری که مقدار زیادی انرژی در انتهای تیره پشت جریان پیدامی‌کند و در نهایت منتج به پرواز جسم می‌گردد. (Feuerstein, 1990: 249).

اما راز و دانش اصلی «پرواز جسم» در یُگه در «کوندلینی^۱ یُگه» نهفته است. کوندلینی یُگه؛ دانش مربوط به شناخت انرژی بنیادین انسان یا نیروی متعالی^۲ و کنترل آن می‌باشد. در «کوندلینی یُگه» اسرار محل تمرکز یافته انرژی و تکنیک‌های بیداری این نیروها و نهایتاً نحوه استفاده از این نیروها آشکار می‌شود. بر اساس این باور، انرژی بنیادین در پایین‌ترین قسمت ستون فقرات تقریباً در نزدیکی نشیمنگاه تمرکز یافته است؛ به عبارتی، همچون ماری که سه دور به دور خود حلقه زده، خوابیده است. تمرین کننده «کوندلینی یُگه» بعد از اینکه این انرژی را فعال کرد، به بالا صعود می‌کند، عموماً در مسیر اصلی خود یعنی از نقطه نشیمنگاه تا سقف، سر از هفت نقطه اصلی که حوزه‌ها یا میدان‌های مخصوص انرژی است، می‌گذرد. این میدان‌ها یا چرخه‌ها را در یُگه «چکره^۳» گویند. هر نقطه چکره از میان این هفت نقطه، دارای خصوصیات خاصی است و فعال شدن هر چکره خواص خود را باز می‌نماید. ظهور هر سیدھی منوط به تحریک نقاط خاصی است و در واقع ممکن است برای هر سیدھی یک یا بیش از یک نقطه مؤثر باشد. (شایگان، ۱۳۹۷، ۴۱).

هفت مرکز لطیف (چکره)

هفت نقطه و چرخه‌ای که مرکز انرژی و مجرای راهیابی به لطایف روحانی شناخته می‌شوند و یُگی با ریاضت‌های مداوم به پاکسازی سه جسم لطیف تحتانی و یک محل در میانه و سه مرکز لطیف فوقانی که به منزله گره شناخته می‌شوند، می‌رسد و آن‌ها را تبدیل به مراکز فراجسمانی و بیدار می‌کند، هر کدام از این نقاط، با یک الوهیت و یک عنصر مرتبط هستند و معناهای باطنی و جسمانی و عرفانی این مراکز لطیف با نمادها و اذکار صوتی نیایشی راز آلود در ساحت عالم هستی تری شده‌اند. دم و

1. Kuṇḍalinī

2. Para s akti

3. Cakra

بازدم رابطه تنگاتنگی با حقیقت قدسی این مراحل رشد دارند، هجاهای مقدس مَثَرَه، رنگ خاص هر چکره و تعداد گلبرگ‌های هر گره نیز نمود صبغه الهی در عالم صغیر و تجلیات انوار و اصوات و کلام و در نهایت فعل الهی است.

۱. مولادهاره^۱: مولا به معنای ریشه است. (Eliade, 1958: 241). این چکره در مربع زرد رنگ (زمین)، مثلی است که در پایه ستون فقرات استقرار دارد. نیروی خفته کوندلینی به شکل نیلوفر سرخی دارای چهار گلبرگ که به امواج انرژی و میزان فرکانس اشاره دارد، نماد صوتی «لم» و عنصر آن خاک و با حس بویایی مرتبط است. (پورابراهیم، موحیدیان عطار، ۱۳۹۶: ۵۷).

۲. سوادهیشتانه^۲: به معنی جایگاه و مکان خود. نیلوفری با شش گلبرگ نارنجی، وسط نیلوفر هلال سفیدی نماد برزخ و اشاره‌ای رازآمیز است. عنصر آن آب و به حس چشایی مربوط و نماد صوتی آن «وَم» است.

۳. منیپوره^۳: به معنی گوهرآباد، در اوپه نیشد آمده که این چکره مانند جواهری است که با نخی سوراخ شده، درون آن مملو از هواست. (Renou. 1943, 46-50). نیلوفری با ده گلبرگ که میانه‌اش مثلی قرمز به عالم برزخ اشاره دارد؛ عنصر آن آتش و با حس بینایی ارتباط دارد و نماد صوتی آن «رَم» است.

۴. اناهته^۴: به معنی ضدضربه، بی صدا، منظور صدایی که قابل حس نباشد، دوازده گلبرگ طلایی یا زرد، مرکز قلب و نماد تعادل سه چکره بالایی و پایینی است، عنصرش هوا و به حس لامسه مربوط و نماد صوتی «یَم» است.

۵. ویشوددهه^۵: به معنی پاکیزگی، ناحیه آن گلو، نیلوفری با شانزده گلبرگ ارغوانی (Ibd). ورود به این مرتبه در سفر روحانی با شروع آزادی از جهل و نادانی و بیداری و نشاط و فرح و شادمانی با معرفت کامل است. (اثیر) عنصر آن فضا یعنی ریشه همه عنصرها؛ حس مرتبط با آن شنوایی است. (پورابراهیم، موحیدیان عطار، ۱۳۹۶: ۵۹).

۶. آجنا^۶: یعنی حکم، جایگاه آن میان دو ابرو واقع شده (Ibid) نیلوفری سفید با دو گلبرگ و قرارگاه آن نیروی معرفت و شناسایی خودآگاه اندیشه و احساس است. با حس درونی و باطنی مرتبط، نماد صوتی آن «اُم» خوانده می‌شود.

۷. سَهَسَراره^۷: یا هزار برابر است (Ibid, p. 243)، مرکزش بالای سر، محل قرار روح است. نیلوفری هزاربرگ به رنگ بنفش و اساس شناخت و آگاهی است. صوت ازلی «اوم» نماد آن است.

¹ Mulādhāra

² Swādhīṣṭāna

³ Manipura

⁴ Anāhata

⁵ Viśuddha

⁶ Ājñā

⁷ Sahasrāra

با بیدار شدن نیروی خفته کوندلینی و گشوده شدن گره‌ها، یک به یک چرخه‌ها طی شده یُگی به مقاماتی می‌رسد و به عوالم بالا، یعنی جایگاه خدایان و عالم کبیر راه پیدامی‌کند، به دلیل اینکه بندهای وابستگی و تعلقات را درنور دیده و نور معرفت و فرزانیگی را دریافته به مقام زنده آزاد می‌رسد. (شایگان، ۱۳۵۷، ج ۲، ۷۱۳).

مراحل اولیه سلوک در تجربه لگه‌یما سیه‌هی موقت و گذرا هستند. هفته‌های اول در مراقبه، یُگی شاهد تشتت افکار و حواس پرتی می‌شود. در صورت تداوم و با متمرکز شدن حواس، رسیدن به حالت آرامش قدرت و موفقیت را تجربه می‌کند. با طولانی‌تر شدن زمان مراقبه به قوت و عمق آن نیز افزوده می‌شود. این حالتی فراآگاهی یا اتحاد با آگاهی کیهانی و یا همان روح کلی نامیده شده که روح مراقبه‌کننده با روح متعالی مواجه می‌یابد، رنج‌ها به ورطه فراموشی و نسیان سپرده می‌شوند. در سیه‌هی یا کرامت پرواز جسم، عموماً بر سه نقطه یا سه چکره مخصوص پرواز تأکید شده است: مولادهاره، اناهته، آجنا. در این وضعیت، مراقبه‌کننده برای کمک می‌تواند درحالی که در حالت نیلوفرین^۱ یا نیمه نیلوفرین نشسته است، قدری بدن خود را مثل پاندول ساعت به نوسان درآورد و یا قدری خود را از ناحیه کمر یا نشیمنگاه تکان دهد. خوب است این تکان‌ها با هارمونی درونی و احساس درونی از حرکت هماهنگ گردد. کم کم مراقبه‌کننده شروع به جهش می‌کند، البته برخی ممکن است قبل از آن شاهد احساس و تجربه تکان‌های شدید باشند. احتمال دارد برخی دچار ضربان‌های شدید شوند، برای این منظور خوب است همواره حرکات یُگه را انجام داد تا بدن قوی و آماده باشد. استرس‌ها و فشارهای هیجانی روزمره را باید کم کرد و مواظب تنفس و قلب خود بود. همین‌طور قدری رژیم غذایی را رعایت کرد و کمتر سخن‌گفت.

در ادامه تسلط بر چکره ویشوده (چکره گلو معروف است) توانایی معلق شدن یا بی‌وزن شدن را به یُگی می‌دهد. این چکره یکی از هفت چکره اصلی بدن انسان که با عنصر اتر مرتبط است. در این مقام، یُگی قادر است پنج عنصر جهان را کنترل کند و با عنصر اتر یکی شود. یُگی استاد تمام نیروها در طبیعت می‌شود و می‌تواند به میل خود از آن‌ها استفاده کند. بنابراین در این مرحله یُگی کنترل کاملی بر عناصر دارد (Shivananda, Vishnudevananda, 1990, 250).

فعال شدن این نیروها در وجود یُگی یا یُگینی، همگی نشان از تکامل سالک در مسیر تحقق خود و رسیدن به نقطه اوج کمال آدمی است. اما آنچه یُگه از کسب این قدرت‌های خارق‌العاده انتظار دارد، تسلط بر دیگر افراد و منفعت‌طلبی و قدرت‌نمایی و سوءاستفاده از نیروی خارق‌العاده نیست، بلکه تصرف بر محدودیت‌هایی است که سبب تشویش خاطر و دغدغه مردمان بوده است. از این رو حکیم

۱. Padma Āsana = Lotus Pose

فرزانه پَتَنَجَلِی تأکید دارد که: «یُگی با اجرای این ریاضت‌ها و پرهیزها و مراعات، کشمکش اضداد را فرومی‌نشانند.» (Leggett, 2006, 274).

سلوک در عرفان اسلامی

عرفان در آموزه‌های اسلامی خداشناسی و هم‌ردیف تصوف و الهیات و علم و حکمت ذکر شده است. عرفان در اصطلاح دانشی از علوم الهی است که موضوع آن معرفه الله است، و از راه دل و تهذیب نفس و تزکیه باطن همراه با طهارت روح حاصل شود. (دهخدا؛ ذیل واژه عرفان). از مولای عارفان علی «علیه السلام» در میزان الحکمه نقل شده است که «العارفُ مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا، وَ نَزَّهَهَا عَنْ كُلِّ مَا يَبْغُهَا وَ يُوْبِقُهَا» (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۷۷، ج ۷: ۱۹۱).

این سنت عمیق و ریشه‌دار، در پی کشف حقیقت و معنای جهان هستی از ظواهر عبور کرده به کاوش در اعماق معنویت می‌پردازد. نه تنها برای مسلمانان بلکه تمامی کسانی که در جستجوی معنای والاتر زندگی هستند، راهی منحصر به فرد برای دستیابی به کمال انسانی، مملو از رموز و کرامات پیش روی نهاده است. (قیصری، ۱۳۸۱: ۶).^۱

در این مسیر پیچیده و ژرف، سالک نه تنها به کمال و معرفت معنوی و الهی دست می‌یابد، بلکه در جهان محسوس نیز توانایی‌های خارق‌العاده‌ای در او نمود می‌یابد که نشانه ظاهری کمال معنوی سالک است. از جمله این توانایی‌ها یا کرامات، می‌توان به طی الارض اشاره کرد. این پدیده که در آن عارفان مسافت‌های دور را در یک لحظه طی می‌کنند، نه تنها یک معجزه بلکه مرحله‌ای از تکامل روحی و معنوی انسان تلقی می‌گردد. کمال انسانی در عرفان اسلامی فراتر از دینداری محض است. این امر مستلزم پذیرش معنویت در هسته آن است و در عین حال، صفات والایی را در خود بروزمی‌دهد. کمال انسانی به عنوان یک تلاش فردگرایانه تلقی نمی‌شود بلکه شامل روابط هماهنگ با دیگران و خدمت دلسوزانه به بشریت است. در واقع، این سفر دگرگون‌کننده، افراد را به تقرب به خداوند فرامی‌خواند. حالتی که مشخصه آن عشق، صمیمیت و آگاهی است که همه به هم مرتبط هستند. جنبه‌هایی که منعکس‌کننده هماهنگی در درون خود، جامعه و در نهایت، کل خلقت‌اند.

سیر تحول معنوی؛ از کمالات انسانی تا کشف کرامات

در عرفان اسلامی، سلوک عرفانی طرحی برای تعالی و تکامل نفس انسانی است. کرامت و کمال انسان از مفاهیم محوری است و در قرآن کریم کلمه «کرامت» و مشتقات آن نزدیک به پنجاه بار آمده-

۱- «هُوَ الْعِلْمُ بِاللَّهِ سُبْحَانَهُ مِنْ حَيْثُ أَسْمَانُهُ وَ صِفَاتُهُ وَ مَظَاهِرُهُ وَ أَحْوَالُ الْمَبْدَأِ وَالْمَعَادِ. وَ بِخَفَائِقِ الْعَالَمِ وَ بِكَيْفِيَّةِ رُجُوعِهَا إِلَى حَقِيقَةِ وَاحِدِهِ هِيَ الذَّاتُ الْأَخْدِيَّةُ وَ مَعْرِفَةُ طَرِيقِ السُّلُوكِ وَ الْمُجَاهِدَةُ لِتَخْلِيصِ النَّفْسِ عَنْ مَضَائِقِ الْقَيُودِ الْجُزْنِيَّةِ ، وَ اتِّصَالُهَا إِلَى مَبْدُئِهَا وَ اتِّصَافُهَا بِنِعَتِ الْإِطْلَاقِ وَ الْكُلِّيَّةِ»

است. واژه کرامت را از کَرَم؛ بزرگواری و جود و سخاوت یا شرافت نفسانی و اخلاقی ذکر کرده‌اند. (ابن فارس، ۱۴۱۸ق ج ۲: ۱۸۳) و کریم دربردارنده مجموع اوصافی ستودنی و متضاد لثیم شمرده‌اند که مشمول اقسام خیر و شرافت و فضیلت دانسته‌اند. (ابن منظور، ۱۴۱۲ق، ج ۳: ۱۱۷). اما کرامات، جمع کرامت که در لغت به معنی جوانمردی و بخشندگی و بزرگواری است، در اصطلاح به معنای خرق عادت است مثل اخبار از غیب و اشراق بر ضمائر. خرق عادت‌ی که به دست ولی الله صورت می‌گیرد. (بقلی شیرازی، ۱۳۷۴: ل ۶۳۰).

کرامات به مثابه نقشه، سفر باطنی و پیشروی در طریقتی است که انسان عادی را به سوی کمالات انسانی و در نهایت اتصال به حق تعالی می‌برد. قرآن کریم همواره اعطای کرامت را بر انسان تأکید داشته و افزایش رزق پاک با آراستن وجود آدمی به علم و قدرت را نشانه فضیلت و برتری انسان ذکر کرده است^۱ و عمیقاً ریشه در این باور دارد که هر انسانی دارای استعداد معنوی ذاتی است^۲ و روح آدمی شأن الهی دارد.^۳ کرامت ذاتی انسان و عظمت وجودی به واسطه صورت الهی،^۴ محل تجلی اسمای الهی شده است. خلافت آدمی در اثر کرامت نمایان‌کننده صفات برتر خداوندی است. وجود مظهر خیر است و انسان مجلای خیر در عالم آفرینش است، در نتیجه منزلت و شأن انسان در اتصال و وابستگی به حضرت حق است و از طرفی انسان فقیر الی الله هرچه به پروردگارش نزدیک‌تر شود به منبع وجودی خیر متصل شده و در نهایت به کمال مطلوب می‌رسد. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۹ق،).

کرامات؛ تجلی اسماء حق

عارفان مسلمان جهان هستی را عالم صغری و هر فرد را عالم کبیر می‌دانند^۵ که منعکس‌کننده صفات الهی است. بر اساس این دیدگاه، انسان‌ها به صورت خدا آفریده شده‌اند^۶ و دارای ذات مقدسی (روح) هستند که ایشان را به خالق خود پیوند می‌دهد. هرفردی در درون خود دارای جرقه‌ای از الوهیت است؛ شیخ اکبر در بخشی از کتاب فصوص (فص آدمی) از تجلی اسمای الهی در رسیدن انسان به کمال مطلوب سخن گفته است: «آدمی به اعتبار مظهریت کمال یافته و تمام مقام و منزلت جانشینی خداوند از صفات الهی بهره‌مند می‌گردد» باور محی الدین بر این است که هر صفتی که حق دارد، انسان نیز نظیر و مانند‌ی دارد. (ابن عربی، ۱۳۷۰: ۵۵). ملاصدرا در تشریح این ایده ابن عربی،

۱- [ولقد کرمتا بنی آدم... اسراء/ ۷۰]

۲- [فطرت الله التي فطر الناس عليها... روم/ ۳۰]

۳- [نفخت فيه من روحي... ص/ ۷۲]

۴- [وصوركم فاحسن صوركم] تغابن/ ۳

۵- شعر منسوب به حضرت امیرالمومنین علیه السلام: «اتزعم انک جرم صغیر و فیک انطوی العالم الاکبر»

۶- «خَلَقَ اللهُ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ»

می‌گوید: انسان جامع صفات حق، خلیفه خداست تا در ملک و ملکوت تصرف کند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱۳: ۳۰۲). قیصری نیز در رسائل خود کرامت را نتیجه تجلی اسمای جمالی حق تعالی شمرده است. وی معتقد است که با تجلی صفات الهی، خضوعی در وجود عارف پدیدار می‌شود که تسلیم اراده حق تعالی شده، مستحق دریافت فیوضات ربانی گشته و پرده‌های حجاب کنار می‌رود، به قدرت تصرف ملکی و ملکوتی می‌رسد. «هرجا صفات جمال باشد صفات جلال در آن مستور است و اینکه منشأ تمامی صفات باری تعالی به ذات حق تعالی برگشت دارند. در اثر هیبت و کبریاء، وجود سالک خاضع گردد اذا تجلی ربنا علی شیء خضع له» مستعد دریافت فیض اقدس شود، از سلطه و احاطه کامله برخوردار شود. (قیصری، ۱۳۸۱: ۶۰).

ملاصدرا به آثار ادراک فقر وجودی و قابلیت پذیرش اسماء الهی در این مسیر توجه کرده، می‌گوید: آدمی به خاطر فقر وجودی که دارد، هرمیزان به منبع لایتناهی نزدیک شود، به صفات حق متصف می‌شود. وی با تأکید بر این مهم که کرامت امری وجودی و حقیقی و ذاتی و ذومراتب بوده، مراحل طی را در سفر روحانی طی می‌کند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۱: ۳۶). وی در اسفار اربعه از کمال طلبی انسان به مراحل تحول وجودی و سیر تکاملی انسان در طی طریق، توجه خاصی نموده، حکیم شیرازی داشتن صبغه و رنگ الهی^۱ و قابلیت باطنی و داشتن ظرفیت را شرط اوج گرفتن در مسیر الهی دانسته و رسیدن به کمال بر شمرده است. (همان: ۶۸). وی بالاترین مرتبه سعادت و کرامت را قرب الهی دانسته و بر این مطلب که مقام اسمای حق تعالی حتماً در وجود آدمی محقق می‌شود، تأکید دارد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۸ ج ۸، ۲۵۵). بنابراین، سالک در پرتو دانش و آگاهی و شناخت و تدبیر و وارستگی، پرهیزگاری، به اوصاف کمالی حق تعالی واصل خواهد بود.

تأثیر و جایگاه کرامات در سفر معنوی

آثار کرامت طی الارض در توسعه وجودی نیز مورد توجه بوده است. قاضی سعید قمی در کتاب اسرار العبادات و حقیقه الصلوه طریقه رسیدن به مرتبه کرامت را چنین تبیین نموده است: هنگامی که صوفی در مراقبه به ریاضت نفس خویش کوشش کند، در خلوت روی دل به کلمه الهی گرداند و در همه حال ذکر حق تعالی داشته باشد، به احوالی نیک دست یابد. در نتیجه اسرار الهی بر او منکشف شود، درب‌های ملکوت بر او گشوده شود و از اخبار غیب آگاه گردد. لذا به مقام کرامت رسیده است. (قمی، ۱۳۳۹: ۶).

این مسیر رسیدن به کمال و رشد باطنی پر از مراتب و منازل مختلفی است که هریک نقشی مهم در گسترش معنوی فردی و تحولات انسانی دارد. از جمله این مراتب و منازل، کرامات و از جمله

۱- [صبغه الله و من احسن من الله صبغه...]. یقره ۱۳۸/

طی‌الارض به‌عنوان نمادهایی از قدرت تصرف در عالم هستی و رابطه عارف با خداوندند که در این سفر روحانی اهمیت ویژه‌ای دارد. طی‌الارض کرامتی است که منعکس‌کننده صفات الهی در درون انسان است. هدف از کرامت، طی‌الارض در عرفان اسلامی، کمک به افراد برای درک و تجسم شایستگی و شرافت ذاتی خود به‌عنوان مخلوقات خداوند و جانشینی حق در روی زمین است. این شناخت حضور الهی در درون خود منجر به احساس عمیق عزت نفس می‌شود، شامل پذیرش ماهیت واقعی خود به‌عنوان یک موجود روحانی متصل به خدا و درک این مطلب که ارزش افراد با عوامل ظاهری و بیرونی مثل ثروت و موقعیت اجتماعی نژاد و جنس و... تعیین نمی‌شود. صوفیان با پرورش این آگاهی نسبت به کرامت ذاتی خود در پی فراتر رفتن از تعلقات مادی و نفسانی هستند و برای رشد باطنی تلاش می‌کنند ویژگی‌هایی مانند شفقت، مهربانی، فروتنی، سخاوت، عدالت و عشق را در تعامل با دیگران نشان دهند.

عنایت است ز جانان چنین غریب کرامت ز راه گوش درآید چراغ‌های نهانی

(خوارزمی، ۱۳۷۹).

طی‌الارض

طی‌الارض در عرفان اسلامی

مفهوم کرامات (طی‌الارض) به‌مثابه پلی است در مسیر عبودیت که سالک را از مرزهای مادیات به سوی افق‌های معنوی هدایت می‌کند. این نیروهای خارق‌العاده به‌عنوان نتیجه بندگی خالصانه و قرب به حضرت حق ظاهر می‌شوند نه تنها نشان‌دهنده استقلال روح از قیدوبندهای جسمانی، بلکه توانایی‌هایی در عارف برمی‌انگیزد که او را قادر به تصرف و تأثیرگذاری بر پیرامون خود می‌سازد که عرفا آن را از آثار جلوه حق در قلب عارف و سیر تحول معنوی ذکر کرده‌اند. این مکاشفات به‌عنوان آزمون‌هایی در مسیر و طریقت سلوک عرفانی شناخته می‌شوند. این مفاهیم باطنی ضمن آنکه فرصت‌هایی برای تجلی قدرت‌های نهفته انسانی فراهم می‌آورند، می‌توانند دام‌هایی برای انحراف از مسیر بندگی حقیقی نیز عمل کنند. بنابراین درک صحیح و شناخت شایسته از این معانی نه تنها برای رشد معنوی بلکه برای حفظ تعادل و پیشروی در سلوک عرفانی از اهمیت بالایی برخوردار است.

در عرفان اسلامی «طی‌الارض»^۱ به معنی نوردیدن زمین، نوعی کرامت که به‌جای گام برداشتن و رفتن، زمین در زیر پای آدمی به‌تندی پیچیده شود و او به مقصد خویش هرچند دور باشد، در مدتی بسیار کم رسد. طی‌الارض در نظر مردم از کرامات اولیای الهی و عارفان مخلص به‌شمار رفته است و

^۱ Teleportation

انبیای الهی (آملی، ۱۴۲۶ق: ۸۵). و ائمه هدی (علیهم السلام) (مجلسی ۱۴۰۴ق ج ۵: ۲۲۱). در طول تاریخ به این کرامت شهرت داشته‌اند. (حسینی طهرانی، ۱۴۲۳ق: ج ۱۰). بنابراین طی الارض را می‌توان پیمودن زمین در چند لحظه تعریف کرد.

در میان آموزه‌های عرفانی، طی الارض را از اقسام کشف شمرده‌اند. «کشف» در لغت به معنای رفع مانع و پرده از روی چیزی است که پوشیده شده. (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۰۴). به معنای آشکار شدن، و کنار رفتن پرده گفته شده. (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۶: ۱۱۱). و در اصل به معنی مکشوف شدن حجاب و مانع، کنار زدن پرده (ابن منظور، ۱۴۱۲ق-۱۹۶۰، ج ۹: ۳۰۰-معلوف، ج ۱: ۱۷۲۸). عرفا نیز به همان معنا به-کارمی‌برند. (قیصری، ۱۳۸۳: ۱۰۷ مجلسی ۱۴۰۴، ج ۴: ۲۰۳). در اصطلاح عرفانی عبارت است از «سرکشی کردن به آن سوی پرده و آگاهی بر معانی پنهان و امور حقیقی موجود در آن». (قیصری، همان) مفهوم عرفانی کشف، درحقیقت، گذر سالک از ظاهر و حصول معنا و باطن با راهیابی به امور پنهان و عالم غیب در آن درنظر گرفته شده است.

عارفان مسلمان با ملاحظه ساحت‌های متفاوت به طبقه‌بندی اقسام آن پرداخته‌اند. در مهم‌ترین رویکرد آنان، دو قسم صوری و معنوی یاد شده است. (همان) سیدحیدر آملی کشف را به معنای رفع حجاب دانسته و کشف را در اصطلاح، رفع پرده‌های معانی غیبی دانسته و معتقد است کشف شهودی یا وجودی است، که آن را به دو نوع کشف معنوی و کشف صوری تقسیم کرده- است. (آملی، ۱۳۶۸: ۴۶۲).^۱

بنابراین «طی الارض» با توجه به مبانی نظری، از اقتضائات کشف صوری که یکی از اقسام کشف یا مکاشفه به‌شمار رفته که شرح هر کدام به ترتیب زیر است:

الف. کشف صوری: حصول این کشف توسط حواس پنجگانه مادی در عالم مثال صورت می‌پذیرد و هر کدام از حواس ویژگی‌های خاص که مقتضای آن حقیقت مرتبط با ملکوت را ادراک می‌کند. این ادراکات گاهی به امور مادی و زمانی به امور غیرمادی و ارواح عالیه ارتباط دارد. جایگاه این کشف در مراحل ابتدائی سلوک، همان خیال مقید است، (ابن عربی، بی‌تا، ج ۱۳: ۱۰۲).^۲ در مراحل بالاتر بلکه کشف حاصل و به عالم مثال مطلق منتقل شده با خیال مطلق ارتباط می‌گیرد. (آملی، ۱۳۶۸: ۴۶۷).^۳

۱- السید حیدر الآملی: «إعلم أن الكشف، لغة، رفع الحجاب؛ يقال: كشفت المرأة وجهها، أي رفعت نقابها؛ وإصطلاحاً هو الإطلاع على ما وراء الحجاب من المعاني الغيبية والأمر الحقيقية، وجوداً أو شهوداً. و هو معنوی و صوری»

۲- خیال مقید عبارت است از عالم متوسط بین نشئه ی عنصری انسان و نشئه ی روحانیت آن و صورت ظاهر در آن عالم برحسب قوت نسبت یکی از دو طرف بر سالک نمایان می‌شود.

۳- السیدحیدر الآملی: [خیال مطلق که همان خیال منفصل است، عبارت است از خیال عالم که از صورت های جزئی روح انسانی منفصل می باشد و انسان کامل از جهت جمعیت مقام انسانی خود شامل جمیع صورت های آن عالم است].

ب. کشف معنوی: کشفی است بی‌واسطه و نیازی به وسائط مادی و روحی ندارد، مستقیماً تحت حکومت اسم «العلیم» و «الحکیم» صورت می‌پذیرد و به اندازه ظرفیت وجودی عارف اسماء و صفات الهی بر قلب سالک جلوه می‌کند و عارف بر حقایق غیبی تسلط و آگاهی می‌یابد. (قیصری، ۱۳۸۳، ۱۱۰). محی الدین ابن عربی در تبیین چگونگی طی الارض، آن را از کرامات و کشف دانسته، این کرامات را حاصل تجلی اسم خاص حضرت حق (البر) بر شمرده است.^۱

امام خمینی طی الارض را با دیدی هستی‌شناسانه و از باب نحوه تجلی اسمای الهی و بر اساس روایات شیعی بر شالوده نظریه ظهور و بطون طرح نموده، ضمن تفسیر نظریه ایجاد و اعدام ابن عربی طی الارض را چنین شرح داده که افعال کاملاً معرفت همان افعال خداوندی به شمار می‌رود و مانند فعل الهی برتر از زمان و مکان است و تحت سلطه زمان و مکان نخواهد بود، وی با تأکید بر اینکه عالم هستی در برابر انسان کامل که از اسم اعظم بهره‌مند است متواضع می‌باشند و خود را تحت ولایت او دانسته، هر تصرفی را از سمت او می‌پذیرند. بنابراین تمام جهان هستی زیر سیطره اوست و این فرآیند درباره مکان به شکل پیچیده شدن و درباره زمان به صورت بسط زمان محقق گردیده- است. (خمینی، ۱۴۱۰ق: ۶-۱۶).

برخی از شارحین ابن عربی معتقدند که اعدام جسم در مکان اول و ایجاد آن در مقصد است. اما روزبهان بقلی این قدرت را محصول ریاضت، تلاش، مجاهدت و عبادتی می‌داند که پروردگار برای پاداش اعمال به عارف عنایت کرده است. (بقلی شیرازی، ۱۴۲۸ق: ج ۱).

مرتضی مطهری آشکار شدن نیروی خارق‌العاده از جانب عارف را نتیجه بندگی خالصانه ذکر می‌کند. وی معتقد است هنگامی که سالک الی الله در اثر قرب به ذات حضرت حق به بیکران وصل می‌شود، روح انسان مستقل می‌شود. در این مقام عارف نه تنها تسلط بر روح و جسم خود پیدامی‌کند، بلکه توانایی تصرف و خاصیت ربوبیت بر دنیای بیرون از خود را کسب خواهد کرد (مطهری، ۱۳۷۷: ۴۹۳). علامه حسن‌زاده آملی درباره شرح مقام کرامت با شعر زیر طی الارض را از نظرگاه تقرب سالک به سوی خدا معنا نموده است. (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۱، ج ۵: ۲۹۴).

مقام کن به بسم الله یابی به هر سو رو نماید فتح بابی

به طی الارض اندر طرفه العین ببینی این که من این الی این

۱- محی الدین بن عربی «اعلم أیدک الله أن الکرامه من الحق من اسمه البر ولا تكون إلا للأبرار من عباده جزاءً وفاقاً فإن المناسبه تطالبها وإن لم یقم طلب ممن ظهرت علیه و هی علی قسمین حسیه و معنویه [أما الکرامه الحسیه] فالعامه ما تعرف الکرامه إلا الحسیه مثل الکلام علی الخاطر و الأخبار بالمغیبات الماضیه و الکائنه و الآتیة و الأخذ من الکون و المشی علی الماء و اختراق الهواء و طی الأرض و الاحتجاب عن الأبصار و إجابة الدعاء فی الحال فالعامه لا تعرف الکرامات إلا مثل هذا»

تصرف در عالم هستی برای اولیای الهی از اقتضائات کشف صوری است و نزد اهل الله مرتبت والایی ندارد با اینکه عارف در سفر باطنی پر مخاطره همراه با مشقات و ریاضات دچار سختی‌ها می‌شود. حاصل این تحول باطنی کسب کرامتی با تجلی اسمای الهی است، اما درواقع عرفا به چنین مقامی بی‌اعتنا هستند، (آملی، ۱۴۲۶ق: ۸۵). در بسیاری موارد از نیل به چنین مقاصدی به حضرت حق پناه برده و طلب مغفرت می‌کنند. امام خمینی در توصیه به فرزند خویش ضمن برحذر داشتن از آرزوی نیل به کرامت، چنین نیتی و انجام عبادات برای رسیدن به چنین مقام کرامتی را از مصادیق شرک برشمرده و طاعت غیر حق دانسته است. (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۰۴). محی‌الدین دراین باره می‌گوید: مقام کرامت طی الارض مزیتی برای سالک ندارد، زیرا شیطان نیز قادر است در لحظه‌ای شرق و غرب عالم را طی کند. (ابن عربی، بی‌تا، ج ۴: ۲۳). در نظر وی هرگاه سالک متصف به صفات حق شود به اقتضای هر اسمی قدرتی خاص در وجود وی تجلی خواهدکرد و دلیل قدرت خارق‌العاده دانستن آن مقام را بی‌خبری مردم و نداشتن علم می‌داند، درحالی‌که این مقام مختص ابرار است. (همان، ج ۲: ۳۶۹).

نتیجه‌گیری

لگهیما سیدھی یکی از هشت سیدھی در عرفان هندو است که از اهمیت نسبتاً بالایی برخوردار است و نوعی کرامت انسانی قلمداد می‌شود. طی الارض نیز به عنوان کرامت در عرفان اسلامی شناخته می‌شود و از نظر جایگاه، در مراتب بالای عرفان قرار دارد.

تصرف در عالم هستی برای اولیا الهی از اقتضائات کشف صوری است و چندان مرتبت بالایی ندارد با اینکه در مسیر الی الله سالک دچار مشکلات و مخاطراتی در سفر می‌شود. اما تا نظر حق نباشد قلب عارف قابلیت تجلی اسم خداوند را پیدا نمی‌کند. سالک در طی مراحل روحانی به فقر وجودی خود پی برده و متواضعانه به تهذیب نفس و صفای باطن می‌پردازد تا به وصال حق نایل شود و در طی طریق به کراماتی از جمله طی الارض می‌رسد.

آنچه مکتب یُگه از این قدرت تصرف در نظر دارد تسلط بر دیگران و رسیدن به آرزوهای شخصی برای یُگی نیست، بلکه فرآیند تمرینات مراقبه‌ای یُگه، رهایی از انانیت و خودخواهی و رنج دلبستگی‌هاست و اگر رسیدن به مرتبه سیدھی از آمال کسانی که در آغاز راه هستند باشد، برای یُگیان راه‌رفته، از موانع مسیر شناخته شده است.

در نحوه حصول، لگهیما سیدھی از طریق تمرینات و مراقبه فردی به دست می‌آید و مستلزم تلاش و انضباط شخصی است؛ در طی الارض به عنوان نشانه‌ای از قدرت الهی به عارفان اعطای می‌شود. با این حال، هر دو آموزه نیازمند تلاش و ممارست فردی هستند.

لگهیما سیدھی بر تلاش و تمرین فردی و تزکیه و کنترل جسم تأکید دارد، طی الارض بیشتر بر سلوک معنوی، تزکیه نفس و قرب به خدا تمرکز دارد. هر دو آموزه می‌توانند برای ارتقای توانایی‌های

فردی و معنوی به‌کارروند. لگه‌یما سیده‌هی برای پرواز یا شناور شدن در هوا و طی‌الارض برای پیمایش مسافت‌های طولانی در یک لحظه استفاده می‌شود. کاربرد لگه‌یما سیده‌هی عمدتاً شخصی است، اما طی‌الارض می‌تواند برای کمک به دیگران نیز به‌کار رود.

در نگرش هر دو سنت عرفانی، قدرت‌های خارق‌العاده را به‌عنوان دستاوردی معنوی و نشانه‌ای از نزدیکی به حقیقت مطلق می‌دانند. در عرفان اسلامی، این قدرت‌ها بیشتر موهبتی الهی و نشانه‌ای از قدرت و عظمت و تجلی اسم خداوند دیده می‌شوند.

در نهایت می‌توان گفت با آنکه تفاوت‌های اساسی در نحوه حصول، کاربرد و نگرش به قدرت‌های خارق‌العاده در این دو آموزه وجود دارد، لگه‌یما سیده‌هی و طی‌الارض هر دو آموزه‌هایی ارزشمند در عرفاند که در مسیر رشد معنوی به انسان قدرت‌های خارق‌العاده عطا می‌کنند.

جدول ۱: مقایسه لگه‌یما سیده‌هی در عرفان هندو و طی‌الارض در عرفان اسلامی

عنوان	لگه‌یما سیده‌هی	طی‌الارض
سرچشمه	متون مقدس هند یا ستان (ونده‌ها، اوی‌تیشدها)	آیات آسمانی و روایات و تفسیر عرفانی
نحوه حصول	ریاضت و مراقبه همراه یا متّره	ریاضت و تهذیب نفس، تجلی حق بر قلب عارف
کاربرد درونی	افزایش توجه و تمرکز اتحاد یا آگاهی کیهانی و تحقق خود	تصرف بر عالم ملک و پیچیده شدن زمین زیر پای عارف، نیل به قرب الهی
کاربرد بیرونی	شناور شدن در فضا و پرواز و خدمت به خلق (اگر غیر ضروری بود می‌تواند موجب انحراف در مسیر یگی باشد)	طی مراتب کمال انسانی، کسب ولایت بر عالم هستی در سفر روحانی (خدمت به خلق ذاتی و بدون نیاز به این قدرت)
نگرش	تمرکز بر قدرت فردی یگی	تمرکز بر قدرت الهی و درک فقر وجودی، منصوب به صفات الهی شدن
هدف	رهایی از رنج‌های مادی و معنوی، اتحاد با آگاهی کیهانی و تحقق خود	طی مرتبه‌ای از کمال انسانی، فائق آمدن بر انانیت و گذشتن از تعلقات، کسب ولایت بر نفس خویش و عالم هستی در سفر روحانی
تحول فردی (درونی)	افزایش قدرت اراده، تمرکز، کنترل ذهن و جسم	توکیه نفس، تطهیر قلب، قابلیت تجلی حق در وجود عارف
تحول فردی (بیرونی)	کسب قدرت‌های خارق‌العاده و به مقام زنده آزاد رسیدن	نیل به کمالات انسانی، عبودیت و تقرب به خداوند، خدمت به خلق
نگرش به قدرت‌ها	گرامت همراه با رهایی از رنج‌های مادی و معنوی	گرامت همراه با وصول به کمال و تعالی روح

منابع و مآخذ

- (۱) قرآن کریم.
- (۲) آملی، سیدحیدر، ۱۴۲۶ق، *المقدمات من کتاب نص النصوص*، بی‌جا: مؤسسه التاریخ العربی.
- (۳) آملی، سیدحیدر، ۱۳۶۸، *جامع الاسرار و منبع الانوار*، تصحیح هانری کربن، ج دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- (۴) آملی، سیدحیدر، ۱۳۸۲، *أنوار الحقيقة و أطوار الطريقة و أسرار الشریعة*، ج ۱، قم: نور علی نور.
- (۵) ابن عربی، محیی الدین، بی‌تا، *الفتوحات المکیة* (اربع مجلدات)، ۴جلد، ج ۱، بیروت: دار الصادر.
- (۶) ابن عربی، محیی الدین، ۱۳۷۰، *فصوص الحکم*، تهران: انتشارات الزهراء.
- (۷) ابن فارس ابی الحسین احمد، ۱۴۱۸ق.، *معجم المقایس اللغة*، بیروت: دارالفکر.
- (۸) ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق، چاپ دوم.
- (۹) بدوی، عبدالرحمن، ۱۹۷۸م.، *تاریخ التصوف الاسلامی*، الطبعة الثانية، کویت: وكالة المطبوعات..
- (۱۰) بقلی شیرازی، روزبهان، ۱۳۴، *شرح شطحیات*، ج ۳، تهران: انتشارات طهوری.
- (۱۱) -----، ۱۴۲۸ق.، *المصباح فی مکاشفة بعث الأرواح*، ۱جلد، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- (۱۲) پورابراهیم، علی محمد، موحیدیان عطار، علی، یوگا در ایران ۱۳۹۶، بررسی و نقد یوگای رایج در ایران با نظر به منابع اصلی یوگا، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- (۱۳) جامی، عبد الرحمن، ۱۳۵۸، *الدرة الفاخرة فی تحقیق مذهب الصوفیة*، ۱جلد، ج ۱، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی.
- (۱۴) چاتری، ساتیش چاندرا و داتا، دریندراموهان، ۱۳۸۴، *معرفی مکتبهای فلسفی هند*، فرناز ناظرزاده کرمانی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- (۱۵) حسن زاده آملی، حسن، *هزار و یک کلمه*، ۱۳۸۱، ۶جلد، ج ۳، قم: بوستان کتاب.
- (۱۶) حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین، *معاد شناسی*، ۱۴۲۳ق.، ۱۰جلد، ج ۱۱، مشهد: انتشارات ملکوت نور قرآن.
- (۱۷) -----، ۱۴۲۱ق.، *رسالة لب اللباب (مصاحبه‌هایی با علامه طباطبائی)* مشهد: انتشارات علامه طباطبائی.
- (۱۸) خمینی، سید روح الله، ۱۴۱۰ق.، *تعلیقات علی شرح "الفصوص الحکم و مصباح الانس"*، قم: مؤسسه پاسدار اسلام.
- (۱۹) -----، *آداب الصلاة*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، چاپ هفتم.
- (۲۰) خوارزمی، تاج الدین حسین، ۱۳۷۹، *شرح فصوص الحکم*، محقق و مصحح: علامه حسن زاده آملی، ج ۲، قم: بوستان کتاب.

- ۲۱) دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، تهران: موسسه فرهنگی لغتنامه دهخدا، ۱۳۸۸.
- ۲۲) ساراسوتی، سوامی ساتیاناندا، ۱۳۷۸، آموزش یوگا: تمرینات تانتریک برای پاکسازی جسم و جان، ترجمه: موسوی نسب، جلال و فروغی، چ ۳، تهران: حمید..
- ۲۳) شایگان، داریوش، ۱۳۸۹، ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- ۲۴) -----، ۱۳۹۷، آیین هندو و عرفان اسلامی (براساس مجمع البحرین داراشکوه)، ترجمه جمشید ارجمند، تهران، فرزانه روز.
- ۲۵) شیرر، آلیستر، ۱۳۹۵، هستی بی کوشش، یوگه‌سوتره‌های پتنجلی، برگردان به انگلیسی آلیستر شیرر، برگردان به فارسی ع. پاشایی، تهران: فراوان.
- ۲۶) صدرالمتهین شیرازی، محمد ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، تحقیق محمد جعفر شمس الدین، بیروت: انتشارات دارالتعارف، ۱۴۱۹ق.
- ۲۷) -----، ۱۳۸۷، رساله فی اتحادالعقل و المعقول، بیوک عزیزاده، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- ۲۸) -----، ۱۳۸۱، رساله سه اصل، تصحیح سیدحسین نصر، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- ۲۹) -----، ۱۳۶۸، الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه، قم: انتشارات مصطفوی .
- ۳۰) علیمردی، محمدمهدی و روحانی، سیدمحمد. ۱۴۰۰، ادیان بزرگ شرق (آریایی) آیین هندو، قم: نشر ادیان.
- ۳۱) قرشی، سیدعلی اکبر، ۱۴۱۲ق.، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۲) قمی، قاضی سعید، ۱۳۳۹، اسرار العبادات و حقیقه الصلوٰه، محقق و مصحح: سیدمحمد باقر سبزواری، چ ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- ۳۳) قیصری، داوود، ۱۳۸۱، رسائل قیصری، رساله فی التوحید والنوّه والولایه، تصحیح سیدجلال‌الدین آشتیانی، چ ۲، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- ۳۴) قیصری، داوود، ۱۳۸۳، شرح فصوص الحکم به کوشش سیدجلال‌الدین آشتیانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۳۵) مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق.، بحارالانوار، ج ۴، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- ۳۶) محمدی‌ری‌شهری، محمد، ۱۳۷۷، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دارالحديث.
- ۳۷) مصطفوی، حسن، ۱۳۸۵، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: نشر آثار علامه مصطفوی.
- ۳۸) معلوف، لوئیس، ۱۹۶۰، المنجد، ترجمه احمد سیاح، بیروت: انتشارات کاتولیکیه.

- 39) Dasagupta, S. (1997). *A History of Indian Philosophy*, New Delhi: Motilal Banarasidass.
- 40) Eliade, Mircea, (1958) *Yoga: Immortality and Freedom*, tr. From the French by Willard R. Trask, London: Routledge and Kegan Paul.
- 41) Feuerstein, Georg,(1990), *Encyclopedic Dictionary of Yoga*, New York: Paragon House.
- 42) Larson, Gerald James(1987) *Bhattacharya, Ram Shankar, The Encyclopedia of Indian Philosophies*, Volume 4, Princeton University Press.
- 43) Legget, Trevor. (2006) *SANKARA ON THE YOGA-SUTRA-S the Vivarana sub-commentary to Vyasa-bhasya on the Yoga-Sutra-s of Patanjali*. Dehli: ,Motilal Banarsidass.
- 44) Lilasara,(2012) *Laghima-siddhi (Books)*, Compiler: Sahadeva.
- 45) Lochtefeld, James G. (2002), *The Illustrated Encyclopedia of Hinduism*, New York: The Rosen.
- 46) Melton, Gordon.(2024)the editors of Encyclopedia Britanica,mar1.2024.TM.
- 47) Misra,Vachaspati,(1896)*the Tattvakaumadian English translation with the Sanskrit Text*,by Ganganatha Jha,Tookaram Tatya,Bombay.
- 48) Prasada, Rama (1998). *Patanjali Yoga Sutras with the Commentary of Vyasa and the gloss of Vachaspati Misra*, New Delhi: Munshiram Manoharlal.
- 49) Radhakrishnan, S., Moore,(1957) *C.A. A Source Book to Indian Philosophy*, Charles A. New Jersey: Princeton University Press.
- 50) Renou, Louis, (1943) *Kena Upanisad, publiée et traduite*, , Paris: A.Maisonneuve .
- 51) Shivananda, Swami,Vishnudevananda,(1990)*Yoga Encyclopedia*,Ebook.
- 52) Werner, Karel (2005), *a Popular Dictionary of Hinduism*, America: Curzon.